

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «جنگ و جهاد»

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۶۰

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۰/۲۳



پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه

عنوان:

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی
بررسی مفهوم «جنگ و جهاد»

مؤلف:

فاطمه هادوی

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۶۰

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۱۰/۲۳

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

۲	مقدمه
۳	چکیده
۴	۱- درآمد
۴	۲- مفهوم شناسی جهاد و جنگ
۶	۳- مفاهیم مشابه
۶	۱-۳. محاربه و قتال
۷	۲-۳. دفاع مشروع
۸	۳-۳. انقلاب و شورش
۹	۴- تاریخچه جهاد و جنگ
۱۳	۵- انواع جنگ و جهاد
۱۳	۱-۵. جهاد ابتدایی و دفاعی در اسلام
۱۵	۲-۵. جنگ‌های مشروع و جنگ‌های نامشروع در حقوق کلاسیک
۱۶	۶- مبانی اسلامی و حقوقی جنگ و جهاد
۱۶	۱-۶. مبانی اسلامی جنگ و جهاد
۱۸	۲-۶. مبانی حقوقی جنگ و جهاد
۲۰	۷- وضعیت جنگ و جهاد در نظام حقوق داخلی ایران
۲۱	۸- جمع بندی
۲۲	۹- منابع برای مطالعه بیشتر
۲۴	۱۰- منابع

مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنا نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی برمدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی پژوهشکده شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام سازی اسلامی برداشته شود.

«جنگ و جهاد، الحرب والجهاد، Jihad/Holy War»

چکیده

جنگ در ادبیات حقوقی حاکی از مخاصمات مسلحانه‌ای است که غالباً در پی اختلاف نظرهای سیاسی، یا به منظور دستیابی به قدرت، ثروت، توسعه‌ی قلمرو حاکمیت و اهداف دنیایی صورت می‌پذیرد. اما مفهوم جهاد با دارا بودن صبغه‌ی عبادی واژه‌ای مقدس بوده و مبتنی بر منطق الهی و اهداف معنوی محقق می‌گردد. میان جنگ در حقوق بین الملل و جهاد در فقه اسلامی اختلافات گسترده‌ای است. این تفاوت‌ها ناشی از تمایز در هدف، وسیله و نوع رفتار عاملان در آن می‌باشد. البته بین جنگ و جهاد اشتراکاتی همچون، کارزار و درگیری میان طرفین خصم، دفاع مشروع در صورت تجاوز دشمن و ضرورت مقابله به مثل در دفع حمله‌ی تجاوزگرانه‌ی او وجود دارد که ارتباط میان این دو واژه را نمایان می‌سازد. پژوهش حاضر به بررسی مفهوم جنگ و جهاد در عرصه‌ی حقوق بین الملل و فقه اسلامی پرداخته و آن را در ابعاد مختلف تحلیل می‌نماید.

واژگان کلیدی

جنگ، جهاد، جهاد ابتدائی، جهاد دفاعی، جنگ مشروع

۱- درآمد

جنگ‌ها معمولاً در فضای غبارآلود ارتباط میان کشورها اتفاق می‌افتند. این موقعیت بهانه را برای توسل به زور ایجاد کرده و باعث تحقق تخاصم مسلحانه می‌گردد. همچنان که تاریخ نشان می‌دهد، در طول حیات بشر جنگ‌های متعددی رخ داده که عموماً فجایع ناگواری را به دنبال داشته است.

بعد از جنگ‌های متعدد در عرصه‌ی بین‌الملل، ضرورت تصویب حقوق جنگ و ممنوعیت توسل به زور بر همگان مشهود شد. لازمه‌ی این ضرورت تصویب قوانین لازم الاجراء، جهان شمول و بازدارنده از جنگ‌های خانمان سوز بود و به همین جهت جوامع و سازمان‌های بین‌المللی درصدد تحقق این مهم برآمدند. البته آنچه در عمل بدان دست یافتند و دست‌آورد آن منعکس در جامعه‌ی بین‌المللی بود، مجال تأمل و بررسی را می‌طلبد.

در فقه اسلامی کارزار با دشمنان خدا و دین الهی در قالب «جهاد» مطرح گردیده و در خصوص انواع جنگ‌ها برحسب هدف و نحوه‌ی پیکار در آن اظهار نظر^(۱) شده است. پژوهش حاضر، ضمن تعریف لغوی و اصطلاحی جنگ و جهاد به ارائه‌ی واژه‌های مشابه آن پرداخته و پیشینه‌ی آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. سپس با بیان تقسیم بندی جنگ و جهاد از جهات مختلف، به ارائه‌ی مبانی فقهی و حقوقی آن در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی نظام جمهوری اسلامی ایران، می‌پردازد.

۲- مفهوم شناسی جهاد و جنگ

جهاد کلمه‌ای عربی است و «در لغت از «جهد» به معنای مشقت و زحمت، یا از «جُهد» به معنای وسعت و طاقت می‌باشد.»^(۲) (جوهری، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۳۹۵) «جهاد باکسر به معنای جنگیدن با دشمنان است.»^(۳) (ابن منظور، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۶۸۳) جهاد در اصطلاح فقها عبارت است از «بذل جان و مال در راه خدا در نبرد با کافران و باغیان، یا

۱. در قرآن کریم و کتب فقهی و حدیثی نظر دین اسلام در این باره منعکس شده است. در ادامه به بررسی نمونه‌هایی از آن خواهیم پرداخت.

۲. همچنین نگاه کنید به: الزبیدی، محب الدین ابی فیض، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۴، بیروت، (لبنان)، ۱۴۲۶هـ، صص ۴۰۸-۴۰۷

۳. و الجهاد محاربة الاعداء و هو مبالغة و استفراف ما فی الوسع و الطاقة من قول أو فعل.

بذل جان و مال و توان خود در راه اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر ایمان.»^(۱) (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۱: ۳) از آنجا که جهاد از باب مفاعله است، در مواردی به کار می‌رود که دو طرف وجود داشته باشند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۹) جهاد از منظر فقهی یک عمل سیاسی-عبادی است و از این رو هنگامی که فقها می‌خواهند در مورد جهاد سخن بگویند آن را در بایی مستقل و در بخش عبادات مورد بررسی قرار می‌دهند.

باید توجه داشت واژه‌ی «جهاد» در بردارنده‌ی مفهومی الهی و ارزشمند است و صرفاً در مورد جنگ مقدس و مشروع استعمال شده، از این رو همواره تحسین و ستایش شده است. اما واژه‌هایی همچون حرب و قتال غیر از مواردی که در راه خداوند و با اهداف الهی باشد مورد ستایش قرار نگرفته است. از طرف دیگر «جهاد» اختصاص به کارزار و جنگ ندارد و به بکارگیری تمامی نیروها و هرگونه تلاش و کوشش که از ناحیه‌ی جسم و روح آدمی صادر شود و با انگیزه‌ی الهی همراه باشد «جهاد» اطلاق می‌شود. به همین جهت صرف مال در راه خداوند «جهاد مالی» نام دارد و به مبارزه با هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی «جهاد اکبر» گویند. (حسینی، ۱۳۹۱: ۳۲-۳۱)

در کتب لغت، «جنگ» به معنای جدال، ستیزه و نبرد آمده است. (معین، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۲۴۶) وقتی سخن از «جنگ» می‌شود، ذهن آدمی ناخودآگاه به یاد ویرانی، بی‌رحمی، خونریزی، کشتار، ظلم، نابودی، بی‌عدالتی، پایمال شدن حقوق و نفی آزادی‌ها می‌رود؛ چراکه غالباً جنگ‌ها در پی اهداف توسعه طلبانه، سلطه بر منابع و منافع سودآور منطقه‌ی مورد هجوم و یا در مسیر رسیدن به جاه و مقام صورت می‌پذیرد. این در حالی است که «جهاد» یک مفهوم مقدس بوده که از این پلیدی‌ها و اهداف شوم مبرا است. جهاد که غالباً به سلسله عملیات نظامی در دین اسلام تلقی می‌شود دارای مفهوم عبادی است و عامل آن از انگیزه‌های معنوی و الهی برخوردار می‌باشد. به همین جهت از نظر اسلام ماهیت جهاد مبتنی بر احساس مسئولیت فرد و جامعه در برابر خدا است. (عمیدزنجانی، ۱۳۸۳، ج ۵: ۵۹)

حقوق دانان عرصه‌ی بین‌الملل از زوایای مختلف جنگ را تعریف نموده‌اند. روسو با

۱. من الجهد بالفتح لغه التعب و المشقة، أو منه بالضم كذلك أيضا الوسع و الطاقة، و شرعا بذل النفس و ما يتوقف عليه من المال في محاربة المشركين أو الباغين على وجه مخصوص، أو بذل النفس و المال و الوسع في إعلاء كلمة الإسلام و إقامة شعائر الإيمان.

تکیه بر عاملان جنگ آن را یک نبرد مسلحانه بین دولت‌ها می‌داند. (روسو، ۱۳۶۹: ۱۰) مطابق این نظر مراد از جنگ کارزار میان افراد نیست، بلکه وقتی از جنگ سخن به میان می‌آید مراد ارتباط مسلحانه میان دو یا چند کشور به منظور قبولاندن نظرات سیاسی یا اعمال اهداف خود با بهره‌گیری از تمام ابزار آلات جنگی تحت اختیار است. (افتخاریان، ۱۳۸۰: ۶۰۰) در فرهنگ اصطلاحات حقوق بین الملل با نگاهی به قصد و نیت عاملان جنگ آمده است: «جنگ، خشونت فیزیکی و مستقیم بین کنشگران دولتی است. جنگ‌ها زمانی رخ می‌دهند که دولتها در یک وضعیتِ منازعه^(۱) و مخالفت^(۲) اجتماعی در می‌یابند که تعقیب اهدافِ ناسازگار یا ویژه را نمی‌توان از طریق شیوه‌های غیر خشونت آمیز تأمین کرد.» (ایوانز، جفری، ۱۳۸۱: ۸۵۹) در واقع سلاح و خشونت دو عنصر مهم برای تحقق جنگ است، چرا که در غالب موارد تمامیِ درگیری‌هایی که بدان جنگ اطلاق می‌شود دارای این دو ویژگی می‌باشد. (عمیدزنجانی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۵۹۱)

۳- مفاهیم مشابه

۳-۱. محاربه و قتال

محاربه و قتال با وجود مشابهت زیاد با واژه‌ی جهاد، با آن متفاوت هستند. مقاتله (قتال) و محاربه چون در باب مفاعله است به کارزار بین دو نفر اطلاق می‌شود.^(۳) «قتال» که اصل آن از واژه‌ی «قَتَلَ، یَقْتُلُ» است به معنای کشتن می‌باشد. (ابن فارس، ۱۴۲۹ق: ۸۴۴) «حرب» نیز مخالف سلم و آشتی و به معنای کارزار است. (ابن منظور، ۱۴۲۶، ج ۱: ۷۷۸) با بررسی لغوی واژه‌ی حرب و قتل واضح است که میان این دو و واژه‌ی «جهاد» تشابه وجود دارد. چراکه این واژگان از جهت وجود عنصر مادی کارزار و نزاع در یک جرگه قرار می‌گیرند، اما از حیث نیت و هدف انجام آن که عنصر معنوی را تشکیل می‌دهد با یکدیگر متفاوت‌اند.

چنانچه نزاع و خونریزی به دلایل متعددی غیر از آنچه برای جهاد مطرح است و

1. Conflict

2. Opposition

۳. باب مفاعله در مواردی به کار می‌رود که فعل انجام شده دارای طرفین باشد. همانند مکاتبه که به معنای نامه‌نگاری دوطرفه است.

صبغی الهی دارد رخ دهد، همانند نزاع‌های شخصی، حب و بغض غیر الهی، نیات شوم و هواهای نفسانی، درگیری ایجاد شده جنگ و کارزاری طرفینی است که با «جهاد» هم‌خوانی ندارد. اما اگر این درگیری شروط جهاد را داشته و مبارزه برای خداوند و منطبق بر احکام الهی باشد عنوان «جهاد» بر آن صدق می‌کند.

۲-۳. دفاع مشروع^(۱)

از دفاع مشروع در حقوق جزا و حقوق بین الملل سخن به میان آمده است. در حقوق بین الملل دفاع مشروع، حقی است که کشورها بر آن اساس می‌توانند در مقابل حمله‌ی مسلحانه‌ی متجاوز با عکس العمل نظامی از خود دفاع نمایند. (نادری، ۱۳۵۱: ۵) حق دفاع در برابر کشوری که به تمامیت ارضی و استقلال سیاسی‌اش تعرض شده به عنوان حقی مسلّم در حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود. بر این اساس کشورهای مورد تجاوز به صورت انفرادی یا با درخواست کمک از کشورهای هم‌پیمان خود، می‌توانند در دفع حمله‌ی متجاوز اقدام نمایند. به همین جهت این دفاع که در قالب جنگ و درگیری مسلحانه است، به عنوان دفاع مشروع نام‌گذاری شده و استثناء بر قاعده‌ی منع توسل به زور و تحریم جنگ است. مطابق با ماده‌ی ۵۱ منشور سازمان ملل متحد در زمینه‌ی حل و فصل اختلافات بین‌المللی، دفاع مشروع حقی ذاتی قلمداد شده و به دول عضو ملل متحد اجازه می‌دهد تا قبل از رسیدگی شورای امنیت در خصوص دفع متجاوز، به اعمال حق دفاع مشروع و اقدامات مقتضی بپردازد.^(۲)

در نظام حقوقی اسلام «جهاد دفاعی» به منظور دفع تجاوز دشمنان در صورت تعرض یا قصد استیلاء بر سرزمین، ناموس، جان و مال مسلمین می‌باشد که عنوان مشابهی با مفهوم «دفاع مشروع» را داراست. آنچه در دفاع مشروع و جهاد دفاعی

1. Legal Defense

۲. ماده ۵۱- در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانیکه شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد هیچیک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود خواه فردی یا دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و در هر موقع که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد تأثیری نخواهد داشت.

مشترک است، دفع حمله و تجاوز فرد یا گروه متجاوز است. اما از جهات مختلف این دو با هم متفاوت‌اند. چراکه «جهاد دفاعی» گونه‌ای از جهاد است که آثار معنوی و ارزشی جهاد را داراست و هرچند به نیت دفع دشمن صورت می‌پذیرد، اما از هدف والای صیانت از اسلام و ارزش‌های الهی برخوردار است و فردی که در این مسیر کشته شود، شهید محسوب می‌شود.^(۱) در دفاع مشروع موارد ذکر شده لازم نمی‌باشد چراکه این دفاع حقی بین المللی است و امکان اجرای آن برای تمامی کشورهای عضو سازمان ملل متحد وجود دارد. البته چنانچه در یک کشور اسلامی عضو سازمان تجاوز صورت پذیرد، عنوان دفع مشروع و جهاد دفاعی هردو صادق است.

۳-۳. انقلاب^(۲) و شورش

در علوم سیاسی برای واژه‌ی انقلاب تعاریف متعددی ارائه داده‌اند که نقطه‌ی مشترک میان آنها تحول است. انقلاب‌ها زمانی رخ می‌دهند که مردم از طریق عادی و با وجود ساختارهای موجود در جامعه نتوانند به اهداف خود دست یابند. به همین جهت منازعات و درگیری‌ها میان انقلابیون و حکومت برای رسیدن به هدف مورد نظر رخ می‌دهد. دگرگونی‌های شدید ناگهانی موضوع اصلی نظریه‌های انقلابی است که در ساخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه رخ می‌دهد. موضوع این نظریه‌ها علاوه بر تغییر فرمانروایان و طبقات ایشان، تحول در روش فرمانروایی و نهادهای اجتماعی-سیاسی است. (آشوری، ۱۳۸۷: ۴۷) مشارکت توده‌ی مردم که از تمامی گروه‌ها و طبقات جامعه تشکیل شده و تحت سازماندهی رهبر یا رهبران انقلاب بسیج شده‌اند، از جمله ویژگی‌های انقلاب محسوب می‌گردد که با جنگ متمایز است.

شورش که از آن به عنوان نوع حاد تنش اجتماعی یاد کرده‌اند، در پی نارضایتی و مطالبات معترضان ایجاد می‌شود که با توجه به گستره‌ی جغرافیایی نارضایتی، حجم مطالبات معترضان، تعداد شرکت‌کنندگان در اعتراضات و خشونت موجود در آن، از تنش اجتماعی محدود فاصله گرفته و گاه به طرح شعار براندازی نظام و نفی مشروعیت آن منجر می‌شود. از این رو عده‌ای شورش را مقدمه‌ی حرکات انقلابی

۱. سایر ویژگی‌های جهاد دفاعی در ادامه‌ی همین مقاله، در انوان جهاد و جنگ آمده است.

مردم محسوب می‌دارند.^(۱) (کلهر، ۱۳۹۱: ۱۳-۱۱)

باتوجه به موارد مطرح شده روشن می‌گردد که میان انقلاب، شورش و جهاد تفاوت وجود دارد. از جمله آنکه انقلاب و شورش غالباً درون حکومت رخ می‌دهد و با هدف بیان نارضایتی و ایجاد اصلاحات در جامعه است، اما جهاد نوعاً در مواجهه با دشمن خارجی است. جهاد ابتدائی با شرایط مطرح شده برای رساندن پیام اسلام به نقاط مختلف و در جهاد دفاعی برای حمایت از کیان اسلام در برابر متجاوزان است. همچنین از جهت نیت و آرمان الهی این دو متفاوت‌اند؛ چراکه جهاد در پی اهداف الهی صورت می‌پذیرد، اما غالباً انقلاب و شورش در پی رسیدن به آرمان‌های ملی و حقوق و آزادی‌های شهروندی می‌باشد. البته چنانچه در جامعه‌ای حاکمان جور بر مردم مسلمان مسلط شوند و به عنوان فرمانروایان جامعه، به جان و ناموس مسلمین تعرض نموده و در پی آن مردم شورش کرده و انقلاب کنند، می‌توان آن را در زمره جهاد دفاعی قلمداد نمود.

۴- تاریخچه جهاد و جنگ

در فقه اسلامی تبیین مفهوم جهاد و بیان احکام مربوط به آن از زمان ظهور اسلام تحقق پیدا نمود. همچنان که در قرآن کریم واژه‌ی جهاد و مشتقات آن سی و پنج مرتبه آورده شده و در جنگ‌های صدر اسلام و سیره‌ی نبوی و علوی و همچنین جنگ‌های حنین علیهم السلام هم نمونه‌هایی از حقوق و آداب جهاد نمایان است. فقها جهاد را تحت عنوان یکی از ابواب فقهی مورد بررسی قرار داده و در خصوص حقوق و تکالیف مربوط به آن بحث نموده‌اند.^(۲) قبل از اسلام هم در ادیان مختلف شاهد جنگ‌هایی با هدف الهی بوده‌ایم، همچنان که در قرآن هم بدان اشاره شده است^(۳) و

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه به مدخل انقلاب از همین دایره المعارف رجوع شود.

۲. برای دیدن نظر فقهاء نگاه کنید به: باب الجهاد در کتب فقهی همانند: لمعة الدمشقیة، جواهر الکلام، تذکره الفقهاء، و ...

۳. اَلَمْ تَرَ اِیَّی الْمَلِکَ مِنْ بَنِیْ اِسْرَآئِیْلَ مِنْ بَعْدِ مُوسٰی اِذْ قَالُوْا لِنَبِیِّهِمْ اِئْتِ لَنَا مَلِکًا نُّقَاتِلْ فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ قَالَ هَلْ عَسَیْتُمْ اِنْ کَتَبَ عَلَیْکُمُ الْقِتَالُ اَلَّا تُقَاتِلُوْا قَالُوْا وَ مَا لَنَا اَلَّا نُقَاتِلْ فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ وَ قَدْ اُخْرِجْنَا مِنْ دِیَارِنَا وَ اُنْبِئْنَا فَلَکُمَا کِتٰبٌ عَلَیْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا اِلَّا قَلِیْلًا مِنْهُمْ وَ اللّٰهُ عَلِیْمٌ بِالظَّالِمِیْنَ. (بقره: ۲۴۶) آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی‌اسرائیل را بعد از موسی، که به پیامبر خود گفتند: زمامدار (و فرماندهی) برای ما

در تورات و انجیل نشانه‌هایی از این جنگ‌ها وجود دارد.^(۱) اما جنگ مفهومی است که پیدایش آن را باید از زمان تجمع انسان‌های اولیه و گسترش جوامع انسانی در نظر گرفت. «جنگ قدیمی‌ترین و ابتدائی‌ترین وسیله‌ی حل اختلاف جوامع بشری است که در عصر شکوفایی تمدن بشر نیز به عنوان مهم‌ترین و رایج‌ترین وسیله‌ی حل اختلاف ملت‌ها باقی مانده و قرن بیستم که قرن تمدن خوانده می‌شود، خونین‌ترین، وحشیانه‌ترین و پرتلفات‌ترین جنگ‌های تاریخ بشری را به خود دیده است.» (افتخاریان، ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۹۸) بعد از شکل‌گیری زندگی اجتماعی و قبیله‌ای، جنگ‌ها بنا بر دلایل گوناگون ایجاد شدند. از نظر برخی صاحب نظران تا قرن چهارم قبل از میلاد معاهدات صلح معمولاً برای مدت زمان معینی منعقد می‌شدند و این امر مبین آن است که در ادوار باستانی جنگ، یک حالت عمومی بین ملت‌ها در نظر گرفته شده و آنچه استثناء محسوب می‌شد، حالت صلح بوده است. (ضیائی بیگلری، ۱۳۷۳: ۲)

پیشینه‌ی حقوق جنگ بین المللی را می‌توان در سه دوره مورد بررسی قرار داد. دوره‌ی اول دوران پیش از تشکیل جامعه‌ی بین‌الملل، شامل دوران باستان، قرون وسطی و عصر جدید تا آغاز قرن نوزدهم می‌باشد. «دوران باستان؛ دوران جنگ‌های وحشیانه، کشتار افراد غیر نظامی و اسیران جنگی و وارد آمدن صدمات بدنی به فرماندهان شکست خورده در جنگ از سوی دشمن است. نتیجه آنکه اصل و قاعده در این دوران، توسل به زور است و تنها محدودیت وارده بر این دوران در یونان بود که اعلان رسمی قبل از جنگ را پیش شرط توسل به جنگ محسوب می‌کرد.» (ضیائی بیگلری، ۱۳۷۳: ۲) قرون وسطی دوران فروریختن و شکست امپراطوری عظیم روم و ایجاد کشورهای متعدد در اروپا است. این کشورهای نوپیداد بلافاصله پس از تأسیس،

→

انتخاب کن. تا (زیر فرمان او) در راه خدا پیکار کنیم. پیامبر آنها گفت: شاید اگر دستور پیکار به شما داده شود، سرپیچی کنید، و در راه خدا جهاد و پیکار نکنید. گفتند: چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم، در حالی که از خانه‌ها و فرزندانمان رانده شده‌ایم، و شهرهای ما به وسیله دشمن اشغال، و فرزندان ما اسیر شده‌اند. اما هنگامی که دستور پیکار به آنها داده شد، جز عده کمی از آنان، همه سرپیچی کردند. و خداوند از ستمکاران، آگاه است.

۱. به عنوان نمونه نگاه کنید به: تورات: سفر تثئیه، باب ۲۰، جمله ۱، انجیل متی: باب ۱۰، جمله ۳۹.

جنگ و درگیری میان خود را آغاز نمودند. از آنجا که در آن دوران کلیسا از نفوذ بالایی برخوردار بود، این امر موجب شد تا حقوق کلیسایی نظریه‌ی جنگ مشروع یا عادلانه را مطرح سازد. در حقوق کلیسایی علاوه بر منع توسل به جنگ‌های نامشروع، مبادرت به جنگ‌های مشروع در برخی از روزهای هفته نیز تحریم شده بود.^(۱) کلیسا با اعلام «متارکه الهی»^(۲) این ایام ممنوع را تعیین کرده بود. به تدریج این ایام گسترش پیدا نمود و این قاعده در کلیسا عمومیت یافت. در عصر جدید در پی تغییر نظام‌های سیاسی، توسل یا عدم توسل به زور هم دچار دگرگونی شد و به موجب آن جنگ برای کشورها یک حق پادشاهی محسوب می‌شد و نیازی به توجیه نداشت. در این فضا پادشاه به عنوان تنها فرد صالح در خصوص تشخیص مشروعیت جنگ تلقی می‌گردید و این رویه تا قرن نوزدهم میلادی ادامه داشت. به تدریج از شروع قرن نوزدهم میلادی قدرت‌های بزرگ اروپائی مسئولیت حل و فصل اختلافات سیاسی را به عهده گرفتند و چندین کنفرانس جهت رسیدگی به مسائلی که صلح را به مخاطره می‌افکند، تشکیل دادند. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۳: ۴-۳)

دوره‌ی دوم در پیشینه‌ی حقوق جنگ به شرایط ایجاد شده‌ی اوائل قرن نوزدهم و بعد از آن در دوران حیات جامعه‌ی ملل مربوط می‌شود. ثبات نسبی در اروپا، جنبش‌های آزادی‌خواهانه‌ی قرن نوزدهم و کنفرانس‌های صلح لاهه در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ به تدریج اندیشه‌ی تدوین حقوق بین‌المللی جنگ به همراه سیستم داوری در این زمینه را ایجاد نمود. این فضا متأثر از ثبات نسبی اروپا و نیز ضرورت‌های ناشی از انقلاب صنعتی و روحیه‌ی التزام به انعقاد و اجرای معاهدات بود. (مسائلی و ارفعی، ۱۳۷۱: ۸۳) از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های جامعه‌ملل تشکیل دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی بود که امکان داوری، اصلاح و میانجی‌گری در موارد زیادی از اختلافات بین دول را داشت. البته الزامی نبودن داوری دیوان و لزوم رضایت کشورها مبنی بر داوری دیوان نقطه‌ی ضعف آن محسوب می‌شد. (ابراهیمی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۸) میثاق جامعه‌ی ملل قبل از هر چیز یک سند صلح بین‌المللی محسوب می‌شد که موضوع

۱. در اسلام هم جهاد ابتدائی در مسجد الحرام و در ماه‌های حرام شامل ذی القعدة، ذی الحجة، محرم و رجب حرام است.

اصلی آن لغو مبادرت به جنگ بود، چراکه از جمله بازتاب‌های مهم جنگ جهانی اول وفاق کشورهای جهان و دولت‌های فاتح برای ایجاد یک سازمان بین‌المللی به جهت جلوگیری از درگیری نظامی دیگر بود. (کاسسه، ۱۳۷۰: ۸۲-۸۱) در واقع میثاق جامعه‌ی ملل یک محکومیت و محدودیت نسبی برای جنگ را ارائه نمود. اما این میثاق به دلیل اینکه مفهومی مضیق از منع توسل به زور و تحریم جنگ ارائه داده بود و همچنین از ضمانت اجرای کافی برخوردار نبود، اشکالات اساسی را در پی داشت. هرچند میثاق پاریس یا بریان-کلوگ^(۱) بعد از جامعه ملل به امضاء برخی از کشورها رسید و اعضاء این پیمان، جنگ را به عنوان وسیله‌ی تعقیب سیاست ملی در روابط با یکدیگر تحریم کرده و متعهد شدند اختلافات خود را صرفاً از طریق وسائل مسالمت‌آمیز حل و فصل نمایند، اما این دو هیچ کدام نتوانستند مانع از حمله‌ی ژاپن به منچوری و بندر پل هاربر گردد. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۳: ۴۳)

با شروع جنگ جهانی دوم کشورهای بزرگ برآن شدند متعاقب ناکارآمد بودن و اضمحلال پیمان‌های سابق در جلوگیری از جنگ تلاش‌های گسترده‌ای را برای ایجاد معاهدات قانونگذار جدید به انجام رسانند تا خلأهای موجود در حقوق جنگ پر شود. (فون گلان، ۱۳۸۳: ۷۰۶) اولین گام در این راستا صدور اعلامیه بین‌الملل متحدین، منشور آتلانتیک، اعلامیه ملل متحد و کنفرانس‌های مسکو و تهران بود که در آن به ضرورت تأسیس یک سازمان بین‌المللی عمومی برای حفظ صلح و امنیت تأکید گردید. (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۳۸-۱۳۹) این هدف موجب ایجاد دوره‌ی سوم در زمینه‌ی حقوق جنگ گردید که نسبت به دوره‌های قبل کامل‌تر و دقیق‌تر محسوب می‌شود. آرمان صلح و امنیت منجر به تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵م گردید که مهم‌ترین هدفش حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین ملل جهان است.

1. Kellog-Briand Pact

میثاق بریان-کلوگ یا پاریس به عنوان اقدامی مستقل توسط وزرای امور خارجه‌ی فرانسه و ایالات متحده آمریکا به نام‌های آریستید بریان و ف.ب. کلوگ، با هدف منع جنگ، به نحو مستقل از میثاق جامعه‌ی ملل منعقد شد. هرچند در ابتدا این میثاق دو جانبه بود، اما محتوای آن به نحوی بود که سایر کشورها را نیز به الحاق بدان دعوت می‌کرد. بدین جهت میثاق بریان-کلوگ در ۲۷ اوت ۱۹۲۸ توسط نمایندگان ۱۵ کشور، به امضاء رسید. و بعد از گذشت زمان براین تعداد افزوده شد. ایران در ۲۸ فروردین ۱۳۰۸ به این میثاق ملحق گردید.

(مقدمه و ماده‌ی امنشور) در واقع منشور ملل متحد با پیش‌بینی اصل منع توسل به زور توسط کشورها برای اولین بار با قاطعیت و بدون ابهام پایه و اساس جدیدی به نظم حقوقی بین‌المللی بخشید. (میرعباسی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۳۳) همچنین مجمع عمومی سازمان ملل تاکنون در زمینه‌ی منع توسل به زور و تحریم جنگ، قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های متعددی را صادر نموده است.^(۱)

۵- انواع جنگ و جهاد

جنگ و جهاد در اندیشه اسلامی و همچنین حقوق بین‌الملل کلاسیک از ابعاد متعدد تقسیم‌بندی شده است که به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم.

۵-۱. جهاد ابتدایی و دفاعی در اسلام

در اسلام جهاد به دو نوع ابتدائی و دفاعی تقسیم می‌شود. (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ۱۹) البته برخی هم با بیان اینکه جهاد به معنای خاص همان جهاد ابتدائی است، عنوان جهاد را برای جهاد دفاعی از باب مجاز دانسته و این را از اقسام دفاع برمی‌شمارند.^(۲) (عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۳۰)

جهاد ابتدائی یکی از موضوعات مذکور در اکثر کتب فقهی است و در اسلام از ضروریات فقه اسلامی محسوب شده و فقهای شیعه و سنی در جواز آن اتفاق نظر داشته و اختلافی بین آنان نمی‌باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۳۹) اهتمام اسلام و دیگر ادیان آسمانی به جهاد ابتدائی، به جهت دفع موانع رسیدن بشر به پیام‌های الهی از طرف پیامبران و حاملان وحی است. چراکه خداوند مطابق دستورها و برنامه‌هایی که برای سعادت، تکامل و آزادی انسان‌ها طرح کرده پیامبران را موظف نموده تا این دستورات را به مردم ابلاغ نمایند. از این رو هنگامی که در این مسیر مانع ایجاد شود، انبیاء و معصومین در ابتدا از راه مسالمت آمیز و بعد از آن از طریق توسل به زور این موانع را از

۱. به عنوان مثال در سال ۱۹۴۷ مجمع قطعنامه ای به جهت محکومیت هرگونه تبلیغات جنگی را صادر نمود. همچنین؛ در سال ۱۹۵۰ در قطع نامه ای تحت عنوان صلح از طریق عمل، دخالت کشورها در امور داخلی سایر کشورها به منظور تغییر حکومت قانونی آنها به واسطه‌ی تهدید و اعمال زور را محکوم کرد.
۲. و ظاهر الأصحاب عدم تسمیة ذلک کله جهاداً بل دفاع، و تظہر الفائدة فی حکم الشهادة و الفرار و قسمة الغنیمه و شبهها.

سر راه خود بر می دارند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۳، ج ۲: صص ۱۵-۱۶)
 بنا بر نظر اکثریت فقها جهاد ابتدائی منحصر به زمان حضور معصوم علیه السلام می باشد.
 هرچند عده اندکی از فقهای معاصر با استناد به کامل نبودن ادله‌ی اختصاص جهاد ابتدائی
 به زمان حضور معصوم علیه السلام آن را به زمان غیبت ایشان نیز تسری داده و با وجود حاکمیت
 فقیه جامع الشرایط، تحقق آن را نیز جایز می دانند.^(۱) (خوئی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۳۵۹)

شرکت در جهاد ابتدائی بر همه‌ی مسلمین، به جز کسانی که از جهاد استثناء
 شده‌اند، واجب کفایی است.^(۲) (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۱: ۱۰) البته اگر امام معصوم علیه السلام فرد
 یا افراد معینی را به منظور جهاد فرا بخواند، یا کسی جهاد ابتدائی را نذر کرده باشد،
 این جهاد وجوب عینی خواهد داشت. (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۳۴۳) جهاد ابتدائی بر
 مردان، افراد آزاد (غیر برده)، عاقلان، بالغان، افراد سالم و بینا واجب می باشد و از زنان
 و کودکان و افراد نابالغ، مجنون، نابینا و فلج ساقط است. (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۱: ۱۵-
 ۱۴) جهاد ابتدائی در ماه‌های رجب، ذی‌القعدة، ذی‌الحجه و محرم حرام است مگر
 آنکه دشمن آغازگر جنگ باشد و حرمتی برای این ماه‌های حرام قائل نباشد.^(۳) (حلی،
 ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۳۴۳)

جهاد ابتدائی در برابر سه گروه محقق می گردد. این افراد شامل کافران غیرذمی؛
 اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب، کفار ذمی که شرایط ذمه را زیر پا گذاشتند و باغیان
 می باشند. (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۳۷۶) بر امام معصوم علیه السلام و یا نائب ایشان واجب است
 تا قبل از شروع جنگ کفار را به اسلام دعوت کند و این دین متعالی را بر آنها تشریح

۱. إذا كان الجهاد الابتدائي من أحد أركان الدين الإسلامي، و قد اهتم القرآن الكريم به في ضمن نصوصه التشريعية، و ليس هذا الحكم مختصاً بزمان الحضور لعدم انسجامه مع اهتمام القرآن، و أمره به مطلقاً، و عليه فلم يسقط وجوبه في عصر الغيبة

۲. فإن الواجب الكفائي عندنا واجب على الجميع و إن كان يسقط بفعل من يقوم به منهم، و لذا يعاقب الجميع بتركه،... فإن قامت بالجهاد طائفة من المسلمين وسع سائرهم التخلف عنه ما لم يحتج الدين يلون الجهاد إلى المدد، فإن احتاجوا لزم الجميع أن يمدوهم حتى يكتفوا و وجوب كفایی بودن جهاد به این معنا می باشد که بر همه‌ی واجدین شرایط لازم است که به میزانی که حضور نیرو در صحنه‌ی نبرد با دشمنان کفایت کند، در جنگ حاضر شوند.

۳. فإن أصحابنا قالوا: إن تحريم القتال في أشهر الحرم باق إلى الآن لم ينسخ في حق من يرى للأشهر الحرم حرمة للأصل، و أما من لا يرى لها حرمة فإنه يجوز قتاله فيها

نماید.^(۱) (نجفی، ۱۹۸۱ق، ج ۲۱: ۵۴-۵۱) جهاد با کفار غیر کتابی با هدف دعوت به اسلام انجام می‌پذیرد. آنان تنها دو راه پیش رو دارند: پذیرش آیین اسلام و ورود به جرگه‌ی مسلمانان یا از سرگیری جنگ و ادامه‌ی پیکار با آنها. (هاشمی شاهرودی و همکاران، ۱۳۸۴، ج ۳: ۱۴۰) جهاد با کفار کتابی غیر ذمی یا ذمی‌ای که پیمان ذمه را نقض کرده باشند برای پذیرش اسلام و یا تن دادن به پیمان ذمه و پرداخت جزیه است. در نتیجه آنان یکی از سه راه را باید برگزینند: گرویدن به اسلام، باقی ماندن بر آیین خود و پرداخت جزیه و یا تن دادن به جنگ. (أبی فاضل، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۴۱۹) جهاد با باغیان به جهت نقض پیمان و خروج آنان از بیعت با امام علیه السلام و وادار کردن ایشان به بیعت مجدد است. (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۱: ۴۶)

«جهاد دفاعی» عبارت از پیکار با هدف دفاع از اسلام و سرزمین‌های اسلامی در برابر دشمن مهاجمی است که اساس اسلام را تهدید می‌کند و یا قصد استیلاء بر سرزمین‌های اسلامی، جان، ناموس و اموال مسلمین را داشته و در جهت آسیب و کشتن گروهی از ایشان می‌باشد. در این نوع از جهاد یا دفاع، دفع تهاجم دشمن بر هر زن و مرد و آزاد و برده، بینا و نابینا و سالم و افلیج واجب است و متوقف بر اجازه‌ی امام معصوم علیه السلام و حضور ایشان نمی‌باشد. (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۸) هرچند در خصوص ماهیت جهاد دفاعی میان فقها اختلاف نظر وجود دارد، اما ظاهر کلام فقها آن است که ایشان دفاع از کیان اسلام در برابر دشمن را جهاد دانسته و احکام جهاد را بر آن مترتب می‌دانند. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ۴۱۵) از این رو فقها جهاد دفاعی را همچون جهاد ابتدائی واجب کفایی محسوب کرده و تا زمان از بین رفتن دشمن برقرار می‌دانند. (کاشف الغطاء، ۱۳۷۹، ج ۴: ۲۸۸) لازم به ذکر است فایده‌ی بحث فقها در خصوص ماهیت جهاد دفاعی در احکام جهاد از جمله حرمت فرار از جنگ، تقسیم نمودن غنائم جنگی، حکم شهید برای کشته‌شدگان و مسائلی از این قبیل می‌باشد. (عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۳۰)

۲-۵. جنگ‌های مشروع و جنگ‌های نامشروع در حقوق کلاسیک

انواع جنگ در حقوق کلاسیک شامل جنگ‌های مشروع یا عادلانه و جنگ‌های

۱. حالت استثناء در این حکم زمانی است که قبل از جنگ کفار به اسلام دعوت شده باشند که در این حالت دعوت مجدد، مستحب می‌باشد. (صاحب جواهر، ۱۹۸۱ق، ج ۲۱: ۵۴-۵۱)

نامشروع است. نظریه‌ی جنگ مشروع یا عادلانه که اساساً دارای ریشه‌های مذهبی است، در دوران باستان و قرون وسطی طرح گردید و تاحدودی محدود کننده‌ی توسل به جنگ بود. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۳: ۲۰) یکی از نخستین مبدعان جنگ مشروع در این زمینه می‌گوید: «جنگ‌های عادلانه، بیشتر جنگ‌هایی هستند که به خون‌خواهی و تظلم شکل می‌گیرند. وقتی ملتی دست به اعمال شبه جنگ می‌زند، عملش یا باید در جهت تنبیه متجاوز یا بازگرداندن آنچه به ناحق از او سلب شده باشد، یا به دلیل این که دولت مقابل از مجازات عمل اشتباهی که شهروندانش انجام داده‌اند، سرباز زده باشد. چنین جنگی بدون هیچ شکی عادلانه است و خداوند نیز طبق مشیت خود آن را مقدر ساخته است.» (مسائلی و ارفعی، ۱۳۷۱: ۱۵) البته بعد از گذشت زمان نظریه‌ی جنگ مشروع حوزه‌ی وسیعی پیدا نمود، تا آنجا که در قرن هجدهم و نوزدهم استفاده از زور برای هر دولتی مشروع تلقی می‌شد و ضابطه‌ای خاص جهت کنترل و محدودیت آن وجود نداشت. (حسینی، ۱۳۹۱: ۱۷۶) در متن منشور ملل متحد حق دفاع مشروع استثنائی بر اصل عدم توسل به زور مطرح شده و این حق طبیعی مورد تأیید قرار گرفت. (خسروی، ۱۳۷۳: ۱۳۵)

بعد از قرن نوزدهم در زمان حیات جامعه‌ی ملل و سازمان ملل متحد هم تقسیم بندی خاصی درخصوص جنگ‌ها ایجاد نگردید. فقط تلاش بر ممنوعیت و محدودیت جنگ‌ها بود و این حق برای کشورهای مورد تجاوز به عنوان دفاع مشروع در نظر گرفته شد.

۶- مبانی اسلامی و حقوقی جنگ و جهاد

۶-۱. مبانی اسلامی جنگ و جهاد

با توجه به آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام می‌توان مبانی فقهی جهاد را در چند مورد بیان نمود. قاعده‌ی «تبری و نفی تولی دشمنان اسلام»، قاعده‌ی «نفی سلطه و نفی سبیل کافر بر مسلمان» همچنین لزوم استطاعت مسلمین و تجهیز نظامی در صورت حمله‌ی کفار و لزوم مقابله به مثل در دفع تجاوزات دشمن به عنوان مبانی فقهی جهاد محسوب می‌شوند.

۱- «تولی و تبری دو حالت سیاسی - اجتماعی متلازم در عرف مذهبی تلقی

می‌شود که تولی نسبت به یک فرد یا عقیده مستلزم تبری از غیر آن محسوب می‌گردد.» (عمیدزنجانی، ۱۳۸۳، ج ۵: ۷۵) اصل برائت و بیزاری نسبت به مشرکان با توجه به نص قرآن کریم از جمله اصول اساسی اسلامی است. هم چنان که در قرآن کریم آمده است؛ «خداوند و پیامبرش بیزارند از مشرکانی که با آنها پیمان بسته‌اید»^(۱) (توبه: ۱) که در واقع خداوند متعال برای مستدل نشان دادن این اصل اعتقادی و فقهی، عهد شکنی مشرکین را دلیلی برای برائت ایشان می‌داند. (علامه طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۱۴۶) از همین رو یکی از گروهی که در جهاد ابتدائی با آنها جنگ می‌شود کافران ذمی هستند که پیمان ذمه را نقض نموده‌اند.

۲- نفی سلطه و نفی سبیل کافر بر مسلمان یکی از قواعد حائز اهمیت و معروف در فقه اسلامی می‌باشد. این قاعده «در باب معاملات بالاختصاص در سیاسیات و اقتصادیات و نیز در کلیه روابط فی مابین جامعه‌ی اسلامی و جوامع غیر مسلمان و نیز در روابط فردی مسلمانان با کافران به صورت یک قانون کلی حاکم می‌باشد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۰۱) مطابق با این قاعده اسلام هرگونه اختیار و اقتدار مسالمت آمیزی که از طرف غیر مسلمانان بر مسلمین ایجاد شود را تحریم نموده و آن را متفی دانسته است. قرآن کریم به نیکی این موضوع را تبیین نموده است. «و خداوند هرگز برای کافران بر مؤمنان راهی را قرار نداده است»^(۲) (نساء: ۱۴۱) علاوه بر قرآن در روایات متعدد به این قاعده اشاره شده است. ^(۳) از این قاعده می‌توان در جهاد دفاعی بهره گرفت به نحوی که هرگاه کیان جامعه‌ی اسلامی مورد هجوم دشمن قرار بگیرد، مطابق قاعده‌ی نفی سبیل بر همه‌ی مسلمین جهان واجب است تا به هر نحوی از جامعه‌ی اسلامی حمایت کرده و دشمن را دفع نمایند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۱۳)

۳- قرآن کریم مسلمانان را به آمادگی رزمی و دفاعی کامل جهت دفاع در برابر حملات دشمن فرا می‌خواند و در ترسیم جامعه‌ی اسلامی معتقد است مسلمین باید در برابر دشمن دارای توانمندی‌های لازم و توسعه‌ی کمی و کیفی تسلیحات جنگی

۱. بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ.

۲. وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا

۳. برای مطالعه‌ی بیشتر، نگاه کنید به: وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۷۷

باشند.^(۱) (انفال: ۶۰) البته هدف اسلام از صدور این حکم جنگ طلبی نیست بلکه به عنوان عامل بازدارنده برای حمله‌ی دشمنان و کفار می‌باشد.

۴- «تأکید بر مشروعیت اصل مقابله به مثل در آیه‌ی «پس هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی و تجاوز کنید»^(۲) (بقره: ۱۹۴) در راستای سیاست کلی جهان شمول کردن صلح و توسعه‌ی عینی همزیستی مسالمت آمیز می‌باشد.» (عمیدزنجانی، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۲۵-۱۲۴) در این زمینه دین اسلام با مبنا نهادن سیاست مقابله‌ای که هم معقول و منطقی باشد و هم بازدارنده از حملات بعدی، قاعده‌ی مقابله به مثل نمودن در برابر حمله‌ی دشمن را پی‌ریزی نموده است.

علاوه بر موارد ذکر شده اظهار دین و دفع فتنه و پلیدی همچنان که در آیات قرآن بدان اشاره شده است می‌تواند به عنوان مبانی فقهی و اسلامی جهاد به حساب آید.^(۳)

۶-۲. مبانی حقوقی جنگ و جهاد

بعد از جنگ‌های بین المللی تلاش‌های بسیاری جهت جلوگیری از وقوع جنگ صورت پذیرفت. با این حال تا زمان تشکیل سازمان ملل متحد شاهد قانونی متقن در خصوص تحریم ممنوعیت توسل به زور در عرصه‌ی بین الملل نبودیم. تمامی تلاش سازمان ملل بر این بود که کشورها را مجاب نماید تا به هر بهانه متوسل به اقدامات مسلحانه نشوند و برای گرفتن حقوق و رفع اختلافات خود به سازمان‌های داوری بین المللی رجوع نموده و از این طریق اختلافات خود را حل نمایند. به همین دلیل است که از سال ۱۹۴۵ به بعد، مسأله‌ی عدم کاربرد زور در بسیاری از قطع‌نامه‌های مجمع عمومی و نیز توافقات و معاهدات دو یا چند جانبه مورد تأکید قرار گرفته است. (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۵۰)

در حقوق بین الملل بعد از گذشت مدت زمان طولانی حقوق مخاصمات مسلحانه منسجم گردید و از الزامات نسبی برخوردار شد. «حقوق مخاصمات مسلحانه بخشی

۱. وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ

۲. فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ

۳. به عنوان نمونه: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ توبه: ۳۳

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ انفال: ۳۹

از حقوق بین‌الملل است که در هنگام جنگ و درگیری و مخاصمات مسلحانه بین کشورها حاکم می‌باشد. هدف از اجرا شدن این حقوق کاهش آلام و صدمات و خسارات ناشی از جنگ است.» (راجرز، مالرب، ۱۳۸۲: ۳۱) در واقع حقوق مخاصمات مسلحانه با پذیرش احتمال وقوع جنگ و اجتناب ناپذیری از آن سعی دارد تا محدودیت‌هایی را در نحوه‌ی جنگیدن و رفتارهای برآمده از آن با هدف کاهش اثرات جنگ ایجاد نماید. هرچند عده‌ای معتقدند اصولاً جنگ نمی‌تواند صاحب حقوق باشد و جنگ و حقوق با یکدیگر ماهیتی متعارض دارند. همچنان که در این زمینه سیسرون معتقد است: «در جنگ حقوق ساکت است». به عبارت دیگر این گروه بر این باورند که آیا می‌توان از انسانی ساختن یک عمل غیر انسانی سخن گفت؟! (مسائلی و ارفعی، ۱۳۷۱: ۷۹)

البته غالب حقوق‌دانان نظر دیگری داشته و هدفشان آن است که با تنظیم قوانین جهان شمول، قواعدی را برای جنگ حاکم نمایند تا از این طریق موجب کاهش خسارات و پیامدهای جبران ناپذیر جنگ باشند. آنچه به عنوان مبانی و منابع حقوقی جنگ مطرح است، حقوق عرفی و قراردادی می‌باشد.^(۱)

در خصوص اصول اولیه‌ی حقوق مخاصمات مسلحانه به مواردی همچون رفتار انسانی و عدم تبعیض ناشی از جنسیت، نژاد، مذهب یا عقائد سیاسی، وجود ضرورت نظامی، محدودیت در استفاده از سلاح‌ها و روش‌های جنگی - به نحوی که آسیب

۱. در حال حاضر مهم‌ترین قوانین مربوط به حقوق قراردادی راجع به جنگ شامل این موارد است: اعلامیه‌ی ۱۸۶۸ سن پترزبورگ، بیانیه‌ی ۱۸۹۹ لاهه درباره‌ی گلوله‌های پخش شونده، کنوانسیون‌های ۱۹۰۷ لاهه به ویژه: ۱- مقررات لاهه، ۲- کنوانسیون مربوط به بی‌طرفی، ۳- کنوانسیون مربوط به بی‌طرفی دریایی، کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو درباره‌ی مجروحان، کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو راجع به کشتی‌های غرق شده، کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو راجع به اسرای جنگی، کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو راجع به افراد غیر نظامی، کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه راجع به اموال فرهنگی، کنوانسیون ۱۹۷۲ راجع به سلاح‌های بیولوژیکی، کنوانسیون ۱۹۷۷، پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ ژنو، پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ ژنو، کنوانسیون ۱۹۸۰ راجع به سلاح‌های همراه با پروتکل‌های ذیل: ۱- پروتکل مربوط به گلوله‌های پخش شونده، ۲- پروتکل مربوط به مین‌ها، ۳- پروتکل مربوط به سلاح‌های آتش‌زا، ۴- پروتکل مربوط به سلاح‌های لیزری، کنوانسیون ۱۹۹۳ راجع به سلاح‌های شیمیایی، کنوانسیون ۱۹۹۷ راجع به مین‌ها. برای مطالعه‌ی بیشتر، نگاه کنید به: (راجرز، مالرب، ۱۳۸۲: ۲۶۷-۲۶۵)

غیر ضروری یا جراحات بیش از حد لزوم وارد نشود^۱، تناسب و عدم برخورد با غیر نظامیان و تفکیک قائل شدن در هدف قرار دادن غیر سربازان و رعایت حسن نیت می‌توان اشاره کرد. (راجرز و مالرب، ۱۳۸۲: ۳۵-۳۳) مطابق کنوانسیون ژنو دولت‌ها موظف هستند تا به واسطه‌ی فرماندهان ارشد خود مقررات مربوط به اجرای کنوانسیون ژنو را درباره‌ی افراد مجروح وضع نمایند. (کنوانسیون اول ژنو، ماده ۴۵) همچنین فرماندهان مکلف هستند تا این تضمین را بدهند که در وضعیت‌های پیش بینی نشده در کنوانسیون مذکور، افراد بر اساس اصول کلی مندرج در کنوانسیون هدایت شوند. به این معنا که افراد بیمار یا مجروح، بدون هیچ گونه تمایزی و فارغ از ملیتشان، تحت حمایت و مراقبت قرار بگیرند. (راجرز و مالرب، ۱۳۸۲: ۳۱۵) علاوه بر این دولت‌ها ملزم‌اند تا کنوانسیون ژنو را به اعضای نیروهای مسلح خود به ویژه پرسنل پزشکی، روحانیون و افراد مسئول در امور اسرای جنگی آموزش دهند.^(۱) مضاف بر موارد مذکور دولت‌ها موظف هستند تا با همکاری جمعیت‌های صلیب سرخ یا هلال احمر ملی، افراد واجد شرایط را برای کمک به اجرای کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های ژنو با تأکید ویژه بر فعالیت کشور حامی، آموزش دهند. (پروتکل اول الحاقی، ماده ۶)

البته حقوق مدون امروزی جنگ، در بسیاری از موارد از خلال قواعد عرفی ناشی از عملکرد دول به ظهور رسیده است. (مسائلی و ارفعی، ۱۳۷۱: ۸۵)

۷- وضعیت جنگ و جهاد در نظام حقوق داخلی ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ذیل اصل یکصد و دهم به صورت صریح از جنگ سخن به میان آمده و بیان می‌دارد که اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها از صلاحیت‌های رهبری است. همچنین شورای عالی امنیت ملی که به موجب اصل یکصد و هفتاد و ششم قانون اساسی سیاست‌های امنیتی و دفاعی کشور را در محدوده‌ی سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف رهبری تعیین می‌کند، نقش بسزایی در مسائل امنیتی و دفاعی کشور بر عهده دارد.

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه نگاه کنید به: کنوانسیون اول ژنو، ماده ۴۷؛ کنوانسیون دوم ژنو، ماده ۴۸؛ کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۱۲۷؛ کنوانسیون چهارم ژنو، ماده ۱۴۴.

البته از آنجا که کشور جمهوری اسلامی ایران، دارای حکومت اسلامی و دینی است، قواعد و احکام جهاد که در فقه از آن سخن گفته شده نیز چراغ راه نظام حقوقی داخلی است. از طرف دیگر به موجب اصول متعدد قانون اساسی که در آن ممنوعیت استقرار پایگاه نظامی خارجی در کشور (قانون اساسی: ۱۴۵) و همچنین راهبرد نظام جمهوری اسلامی ایران در حمایت مستضعفین جهان در برابر مستکبران (قانون اساسی: ۱۵۴) مورد تأکید قانون‌گذار قرار گرفته است، پذیرش قاعده‌ی فقهی «نفی سلطه» که حرمت سلطه‌ی کفار بر مسلمین را بیان می‌دارد، در قانون اساسی هویدا است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۳۸۳)

از طرف دیگر مکتبی بودن نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که در اصول متعدد قانون اساسی بدان اشاره شده است، موجب می‌شود تا در بهره‌گیری و استخدام نظامیان و نیروهای مسلح که خط مقدم نیروی جنگی کشور محسوب می‌شوند، دقت نظر دوچندان داشته و علاوه بر احراز صلاحیت‌های عملی و حرفه‌ای، وفاداری و اعتقاد ایشان به دین و ارزش‌های انقلاب و قانون اساسی مورد تحقیق و بررسی دقیق قرار گیرد.^(۱)

۱- جمع بندی

جهاد یکی از عبادات سیاسی _ اجتماعی در اسلام است که در شرایطی بر مسلمین واجب می‌شود. هرچند منش اسلام در پیش گرفتن سیاست صلح است، اما در شرایطی ابتدائاً وارد در جنگ شده و با هدف الهی با دشمن می‌جنگد. البته این قسم از جهاد دارای دقت نظر و ظرافت‌هایی است که مطابق نظر غالب فقها لازم است توسط معصوم علیه السلام مدیریت شود. از این رو اکثر فقها جهاد ابتدائی را جز در زمان حضور معصوم علیه السلام جایز نمی‌دانند. اما در زمینه‌ی جهاد دفاعی، هنگامی که دشمن خاک و ناموس و آبروی مسلمین را هدف قرار داده و بدان حمله می‌کند، بر هر مسلمانی اعم از زن و مرد و پیر و جوان واجب است تا از کیان اسلام دفاع نماید. در حقوق داخلی

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه نگاه کنید به: قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ قانون مقررات استخدامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، قانون مقررات استخدامی ارتش جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران امر جنگ و صلح به ید رهبر جامعه است، هم‌چنان که در اصل یکصد و دهم قانون اساسی این امر را اظهار می‌دارد.

در عرصه‌ی بین‌الملل تلاش‌های بسیاری جهت کنترل و کاهش خسارات جنگ شده است و در این میان معاهدات ژنو از جمله مهم‌ترین آنها است. البته هم‌چنان شاهد جنگ‌های ویران‌کننده در گوشه و کنار جهان هستیم که این مسأله، بازدارنده نبودن کامل قوانین مربوط به جنگ را می‌رساند. دفاع مشروع در وضعیت حمله‌ی متجاوز، به عنوان استثناء ممنوعیت جنگ مورد پذیرش همگان قرار دارد.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری مسلمان علاوه بر پذیرش قوانین بین‌المللی جنگ، به محدودیت‌ها و احکام موجود در اسلام پایبند است.

دین مبین اسلام دارای احکام متعددی برای جنگ و جهاد همچون حرمت مثله کردن بدن دشمن، حرمت کشتن زنان، کودکان، دیوانگان و نیز ناتوانان از جنگیدن، مانند افراد پیر، نابینا و زمین‌گیر^(۱) می‌باشد. (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۱: ۷۷-۷۳) همچنین مطابق نظر اسلام قطع کردن درختان، پرتاب آتش، گسیل کردن آب به سوی دشمن جز در حال ضرورت و هم‌چنین ریختن سم در غذای دشمن بنا بر نظری مکروه است. (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۳۸۵) در حقوق بین‌الملل نیز محدودیت‌هایی در زمینه‌ی جنگ همچون ممنوعیت حمله به غیر نظامیان، برخورد مناسب با اسیران جنگی و مسائلی از این قبیل وجود دارد که شرح آن مورد بررسی قرار گرفت.

۹- منابع برای مطالعه بیشتر

۱. آذری قمی، احمد، رهبری و جنگ و صلح، (مجموعه مقالات)، تهران، نشر سپهر، ۱۳۶۶
۲. شریفی طرازکوهی، حسین، (گردآوری و ترجمه)، مجموعه مقالات حقوق جنگ، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، ۱۳۷۵

۱. البته این حرمت در صورتی است که از فکر و نظر آنان در جنگ استفاده نگردد و به عنوان فرد صاحب رأی و اندیشه در مسائل جنگی شناخته نشوند اما اگر فرد تأثیرگذاری باشند و یا اینکه کفار آنها را سپر خود قرار داده باشند تا مسلمین نتوانند به آنها ضربه‌ای وارد نمایند، کشتن آنها جایز است. (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۱: ۷۷-۷۳)

۳. سید عبد التواب، محمد، الدفاع الشرعى فى الفقه الاسلامى، (دراسة مقارنة)، قاهره، (مصر)، عالم الكتب، ۱۹۸۳م
۴. صالحى نجف آبادى، جهاد در اسلام، تهران، نشر نى، چاپ دوم، ۱۳۸۶
۵. القاسيمى، ظافر، الجهاد و الحقوق الدولية العامة فى الاسلام، بيروت، (لبنان)، دارالعلم للملایين، ۱۹۸۲م
۶. قربان نيا، ناصر، «حقوق جنگ در اسلام»، نشریه رواق اندیشه، شماره ۲۲، مهرماه ۱۳۸۲
۷. ماندگار، مهرگان، «حقوق جنگ»، نشریه دادنامه، شماره ۵، مهرماه ۱۳۸۹
۸. کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد، مسئولیت بین المللی دولت، (متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین الملل)، ترجمه: ابراهیم گل، علیرضا، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۹
۹. مصباح یزدی، محمد تقی، جنگ از دیدگاه قرآن کریم، (مجموعه مقالات بازنشاسایی جنبه‌های تجاوز و دفاع، تبیین مبانی نظری جنگ و دفاع)

۱۰- منابع

۱. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۷
۲. ابراهیمی، محمد، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه)، تهران، انتشارات سمت، ۲جلد، ۱۳۷۷
۳. ابن فارس، ابی الحسین احمد، معجم المقاییس اللغة، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۹هـ ق
۴. ابن منظور افریقی، ابی الفضل جمال الدین، لسان العرب، ۲جلد، بیروت، لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۶هـ ق
۵. أبی فاضل، حسن ابن أبی طالب یوسفی، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، قم، انتشارات اسلامی وایسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۲جلد، چاپ سوم، ۱۴۱۷هـ ق
۶. افتخاریان، محمد حسین، دانشنامه‌ی جنگ و صلح: فرهنگ بزرگ دانشگاهی سیاست بین الملل، همدان، انتشارات مسلم، ۱۳۸۰
۷. ایوانز، گراهام؛ نونام، جفری، فرهنگ روابط بین الملل، ترجمه: مشیر زاده، حمیرا؛ شریفی طراز کوهی، حسین، تهران، انتشارات میزان، تابستان ۱۳۸۱
۸. بحرانی (علامه بحرانی)، آل عصفور، حسین بن محمد، سداد العباد و رشاد العباد، قم، محلاتی، ۱۴۲۱هـ ق
۹. بحرانی (علامه بحرانی)، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحقائق الناظرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۲۵جلد، ۱۴۰۵هـ ق
۱۰. الجوهری الفارابی، ابی نصر اسماعیل ابن حماد، الصحاح، (تاج اللغة و صحاح العربیة)، بیروت، (لبنان)، دارالفکر، ۱۴۱۸هـ ق
۱۱. حسینی (زرفا)، سید ابوالقاسم، جهاد و حقوق بین الملل، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۸۲
۱۲. حسینی، سید ابراهیم، جهاد و منع توسل به زور در اسلام و حقوق بین الملل معاصر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه، ۱۳۹۱

۱۳. حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف، ارشادالأذهان الی احکام الایمان، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۲جلد، ۱۴۱۰هـ ق
۱۴. حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، ۱۱جلد، ۱۴۱۴هـ ق
۱۵. خاتمی، سید احمد، ابعاد جنگ در فرهنگ اسلام، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۲
۱۶. خسروی، علی اکبر، حقوق بین الملل دفاع مشروع، تهران، مؤسسه فرهنگی آفرینه، ۱۳۷۳
۱۷. خوئی، سید ابوالقاسم موسوی، صراء النجاة (المحشى للخوائي)، ۳جلد، قم، مکتب نشر المنتخب، ۱۴۱۶هـ ق
۱۸. فن گلان، گرهارد، درآمدی بر حقوق بین الملل عمومی، ترجمه: حافظیان، سید محمد حسین، تهران، نشر میزان، ۲جلد، چاپ دوم، ۱۳۸۳
۱۹. راجرز، آنتونی پ. و؛ مالرب، پل، قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه: کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۲
۲۰. روسو، شارل، حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه: هنجنی، سید علی، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ۱۳۶۹
۲۱. الزبیدی، محب الدین ابی فیض، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، (لبنان)، ۱۴۲۶هـ ق
۲۲. شیخ عاملی، محمد حسن ترحینی، الزبداء الفقهیة فی شرح الروضة البهیة، ۹جلد، منشورات ذوی القربی، چاپ ششم، ۱۴۲۵هـ ق
۲۳. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۳
۲۴. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق جنگ، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۳
۲۵. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۵

۲۶. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، انتشارات کتابفروشی داوری، ۱۰ جلد، ۱۴۱۰ هـ ق
۲۷. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۵ جلد، ۱۴۱۳ هـ ق
۲۸. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، ۳ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۷ هـ ق
۲۹. عمید زنجانی، عباسعلی، تدوین و تنظیم: موسی زاده، ابراهیم، دانشنامه فقه سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۲ جلد، ۱۳۸۹
۳۰. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، (حقوق و قواعد مخاطصات در حوزه ی جهاد اسلامی و حقوق بین الملل)، ج ۵، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۳
۳۱. کاسسه، آنتونیو، حقوق بین الملل در جهانی نامتحد، ترجمه: کلانتریان، مرتضی، تهران، خدمات حقوقی بین المللی، ۱۳۷۰
۳۲. کرکی (محقق کرکی)، علی ابن حسین، جامع المقاصد فی شرح قواعد، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، ۱۳ جلد، ۱۴۱۴ هـ ق
۳۳. کلهر، حسن، درآمدی بر نهضت های بسیجی و بسیج نهضت ها، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، ۱۳۹۱
۳۴. المحقق السبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحكام، قم، مؤسسه المنار، ۳۰ جلد، ۱۴۱۳ هـ ق
۳۵. مسائلی، محمود، ارفعی، عالیه، جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین الملل، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱
۳۶. مصباح یزدی، محمد تقی، جنگ و جهاد در قرآن، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه، ۱۳۸۲
۳۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۸۸
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳

۳۹. میر عباسی، سید باقر، **حقوق بین الملل عمومی**، (حل اختلافات بین المللی) جلد ۲، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۷۶
۴۰. نجفی، کاشف الغطاء، **کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۴ جلد، ۱۳۷۹
۴۱. نادری، محمد تقی، **دفاع مشروع**، تهران، چاپ زیبا، ۱۳۵۱
۴۲. نجفی، (صاحب الجواهر)، محمد حسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، ۴۳ جلد، بیروت، (لبنان)، دار إحياء التراث العربی، هفتم، ۱۹۸۱م
۴۳. هاشمی شاهرودی، محمود و همکاران، **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)**، ۴ جلد، قم، مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۴

قوانین

قانون اساسی

منشور سازمان ملل متحد

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایضا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir